

# عنوان اخوان الصفا فی تلخیص الهیات الشفاء

بهاء الدین محمد اصفهانی، مشهور به فاضل هندی  
تصحیح و تعلیق: محمد قربان نیا

فلسفه، ثمره پرسش‌های عقلانی بشر است؛ چنانکه علم ثمره پرسش‌ها و جستجوهای بشر در مورد قوانین حاکم بر طبیعت است و همانگونه که انسان به دنبال هر حادثه‌ای در عالم طبیعت به جستجوی علت آن برآمد و با کاوش و تجربه به بسیاری از قوانین حاکم بر طبیعت دست یافت و سرانجام علوم گوناگون تجربی پدیدار شد، به همان سان در مقابل پرسش‌های عقلانی خود پیرامون جهان آفرینش بی تفاوت نماند و از دیرباز بر آن بود که پاسخی عقلانی در مورد چنین پرسش‌هایی بیابد که بدینسان فلسفه پدیدار گردید.

در تاریخ فلسفه یونان پس از سیر چند قرن جهش‌های ابتدایی که از عالم طبیعت و اعتقادات دینی مایه می‌گرفت، عاقبت توانست نظام‌های فلسفی افلاطون و ارسطو را به دنیای اندیشه عرضه کند.<sup>۱</sup>

از این رو مورخان فلسفه بر این اعتقادند که یونانیان، نخستین مردم متمدنی بوده‌اند که واژه فلسفه و مفهوم و مضمون آن را آفریده‌اند. بدین معنی که یونان باستان را زادگاه و گهواره اندیشه فلسفی باختری دانسته‌اند؛ اگرچه شکل‌های دیگر از اندیشه فلسفی و شناخت کم و بیش عقلانی جهان پیرامون آدمی را در دوران تاریخ پیش از پیدایش یونان تاریخی، نزد ملت‌ها و اقوام دیگر در تمدن‌های شرقی باستان می‌توان یافت.<sup>۲</sup>

فلسوف مسلمان ایرانی که مبدع حکمت اشراقی بوده است، یعنی شیخ اشراق (شهاب‌الدین سهروردی)، تجلی فلسفه راستین را در تمدن ایران بر حکمت خسروانی تعبیر می‌کند. بنابراین قواعد و ضوابط اشراق در باب نور و ظلمت که راه و روش حکما و دانایان سرزمین پارس است، به مانند جاماسف و فرشاد شور و بوذرجمهر و کسانی که پیش از اینان بودند، به رمز نهاده شده است. از این رو حکمت تنها در همان مدت کوتاه از روزگار [و در آن محدوده مکانی] وجود نداشته است.<sup>۳</sup>

«اگرچه در آغاز نبود زبان مشترک و اصطلاحات مورد اتفاق بین مترجمان و اختلاف در بنیادهای فلسفی شرق و غرب، کار آموزش فلسفه را دشوار و کار پژوهش و گزینش را دشوارتر می‌ساخت. ، طولی نکشید نوابغی چون ابونصر فارابی و ابن سینا در پرتو تلاش پی‌گیر خود مجموعه افکار فلسفی آن عصر را آموختند و با استعدادهای خدادادی که در پرتو انوار وحی و بیانات پیشوایان دینی شکوفا شده بود به بررسی و گزینش آنها پرداختند و یک نظام فلسفی نضج یافته را عرضه داشتند که علاوه

۱. فلسفه در ایران (مجموعه مقالات) انتشارات حکمت، چاپ سوم، ۱۳۶۳، ص ۱۰.
۲. خراسانی (شرف) دکتر شرف‌الدین، نخستین فیلسوفان یونان، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۰، ص ۲۱.
۳. دکتر سجادی، ترجمه حکمت‌الاشراق، ص ۱۹ به نقل از فلسفه در ایران، ص ۱۰.

در میادین داد و ستد علمی میان ملل، زمانی رسید که فلسفه



بر افکار افلاطون و ارسطو و نوافلاطونیان اسکندریه و عرفای مشرق زمین متضمن اندیشه‌های جدیدی بود و برتری فراوانی بر هریک از نظام‌های فلسفی شرق و غرب داشت. گویانکه بیشترین سهم از آن ارسطو بود و از این رو فلسفه ایشان صبغه ارسطویی و مشائی داشت.<sup>۴</sup>

از دیدگاه این مکتب [مشاء] آدمی می‌تواند تنها از راه تفکر و استدلال به حقیقت دست یابد و در صورتی که قوای ادراکی و عقلی خود را به نحو صحیح راه‌برد می‌تواند مطمئن باشد که اعیان موجودات را همچنانکه در عالم واقع هستند، شناخته است.

«بزرگ‌ترین نماینده این فلسفه در تمدن و فرهنگ اسلامی ابن سینا است که از مدافعان فلسفه ارسطویی است. البته هرگز در این حد [در فلسفه ارسطویی] متوقف نیست و خود نیز افکار بدیع و تازه به جهان حکمت عرضه داشته است؛ مخصوصاً در زمینه الهیات به معنی الاخص».<sup>۵</sup>

از مهم‌ترین آثار بوعلی می‌توان به کتاب‌های شفا، الاشارات و التنبیها، النجاة و قانون اشاره کرد.

کتاب شفا مهم‌ترین و جامع‌ترین کتاب در فلسفه اسلامی است که با شرح و بسط، تمام شعب حکمت نظری را مورد بحث و تحقیق قرار داده است. بر این اثر بوعلی، فلاسفه و دانشمندان بسیاری تعلیقات و شروح متعددی نوشته و گاه در تلخیص آن همت گماشته‌اند.

برخی از کسانی که بعد از بوعلی به حکمت مشائی او و آثارش علاقه نشان داده و به صورت‌های مختلف در جهت رونق و اشاعه‌اش همت گماشته‌اند، از برجستگی ویژه‌ای برخوردارند. آنان فقیهانی هستند که به حکمت مشائی بوعلی پرداخته و به گونه‌های مختلف در جهت حفظ و گسترش آن سعی نموده‌اند.

«کسانی که با تاریخ فقه و فلسفه اسلامی آشنایی دارند، به خوبی می‌دانند که بین فقه و فلاسفه هرگز صلح و آشتی برقرار نبوده و فقها تا آنجا که توانسته‌اند در طرد و تکفیر و خانه‌نشین کردن فلاسفه کوشش کرده‌اند. در میان کسانی که بر شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا خرده گرفته‌اند و او را در بسیاری از مواضع فکری و فلسفی‌اش محکوم ساخته‌اند، نام فقها بیش از دیگران به چشم می‌خورد».

«بر اهل بصیرت پوشیده نیست که قتل فاجعه‌آمیز شیخ

اشراق، شهاب‌الدین سهروردی در شهر حلب سوریه بر اساس فتوای فقهای سنی مذهب آن شهر انجام گرفت. صدرالمآلهین شیرازی بسیاری از سال‌های عمر خود را در گوشه‌انزوا در کنج خلوت یکی از روستاهای کهک در چند فرسخی شهر مقدس قم سپری کرد. این انزوا و گوشه‌گیری بر اثر فشارها و سخت‌گیری‌هایی بود که از ناحیه فقها و علمای زمان بر او وارد گشته بود. او در مقدمه رساله سه اصل خود زبان به گله‌مندی و شکوه گشوده و از چهره‌اوضاع نابسامان زمان و کج رفتاری روزگار پرده برداشته است. با این همه بی‌انصافی است اگر فقهای فیلسوف مسلک و حکمی مذاق را شناسیم».

«یکی از کسانی که هم‌پهلوان میدان فقاقت است» و هم در زمینه علوم کلامی و فلسفی از شهرت و آوازه قابل ملاحظه‌ای برخوردار است، بهاء‌الدین محمد اصفهانی مشهور به فاضل هندی است. او از چهره‌های بنام دوره سلاطین صفوی است که هم قله رفیع فقاقت را فتح کرده و هم در زمینه علم کلام و فلسفه دارای تألیفات و آثار ارزشمند شناخته می‌شود».<sup>۶</sup>

#### شرح حال و آثار فاضل هندی<sup>۷</sup>

«کاشف اللثام بهاء‌الدین محمد اصفهانی فرزند ملا محمد حسن اصفهانی، معروف به ملا تاج یا تاج‌الدین حسین یکی از فقهای طراز اول شیعه و یکی از محققان بنام اواخر دوران سلاطین صفویه است.

فاضل هندی در سال ۱۰۶۲ هجری پا به عرصه هستی گذاشته و در سال ۱۱۳۷ هجری بدرود زندگی گشته است. او قبل از بلوغ از فضایل عصر خود، و در سن بیست سالگی یکی از مدرسان نامی زمان، در علوم نقلی و عقلی محسوب می‌شد، و در کثرت حفظ و قدرت فکری از نوابغ دوران است. پدر او نیز از فضایل عصر خود بود و در تربیت فرزند سعی وافی داشت و لحظه‌ای از او جدا نمی‌شد و چون در هند دارای دوستانی بود،

۴. مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش فلسفه، ج ۱، ۱۳۶۴، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ص ۳۴.

۵. فلسفه در ایران، ص ۱۴۵.

۶. ابراهیمی دینانی، دکتر غلامحسین، ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام، ج ۲، ص ۳۷۹-۳۸۰.

۷. این تعبیری است که استاد ارجمند جناب آقای دکتر ابراهیمی دینانی در مورد فاضل هندی کرده است. همان، ص ۳۸۱.

شیعه داشته برای اهل فقهات به هیچ وجه قابل انکار نیست. صاحب جواهر که از بزرگ ترین فقهای دوره های اخیر شناخته می شود، به این کتاب اعتماد زاید الوصف داشته و گفته شده است، وی هیچ بخشی از کتاب جواهر خود را بدون مراجعه به این کتاب نمی نوشته است.

درباره مقام علمی و فقهات فاضل هندی همین بس که صاحب جواهر درباره او گفته است: لو لم یکن الفاضل فی ایران ما ظننت ان الفقه صار الیه؛ یعنی: اگر فاضل هندی در ایران به منصب ظهور و بروز نمی رسید، گمان نمی کردم که فقه در آنجا به کمال خود رسد.<sup>۱۱</sup>

فاضل هندی نه تنها با تألیف کشف اللثام در گسترش روش استنباط و اجتهاد نقش قابل ملاحظه ای ایفا کرد، بلکه با نوشتن چندین اثر فلسفی و کلامی، راه علوم عقلی را نیز برای طالبان و مشتاقان این علوم هموار ساخت.<sup>۱۲</sup>

فاصله زمانی میان وفات صدر المتألهین و تولد فاضل هندی چیزی حدود دوازده سال است. ولی فاضل هندی در آثار فلسفی-کلامی خود به گونه ای سخن می گوید که گویی کرچک ترین اطلاعی از افکار و مبانی فلسفی صدر المتألهین در اختیار ندارد. اما او نسبت به آثار ابن سینا به خصوص کتاب شفا تسلط کامل داشت. کتاب مهم تلخیص الشفا که با عنوان «عنوان اخوان الصفا علی فهم کتاب الشفا» به رشته تحریر درآمده است، به خوبی نشان می دهد که این عالم بزرگ سال ها به تدریس حکمت مشائی اشتغال داشته است.<sup>۱۳</sup>

فاضل هندی در مباحث مختلف فلسفی دارای نظرات خاصی است؛ از جمله نظراتش در منطق در باب اقسام مفهوم و مسأله حد تام و معرف نسبت به محدود و معرف و ... می باشد. در فلسفه در باب حقیقت جسم، در مورد «جوهر فرد و جزء لایتجزی» در باب «حرکت توسطیه»، «امتناع اعاده معدوم» و

مدتی را با فرزند برومند، در آن دیار بسر برد. از این جهت فرزند او را فاضل هندی نامیدند؛ ولی او خود از این عنوان خشنود نبود.

بهترین اثر او در منقول، شرح قواعد علامه حلی است که محققان آن را به دلیل نفاست و دربر داشتن تحقیقات نفیس، و متوسطان از طلاب برای آموزش طرز استدلال، به این اثر عظیم ارجح می نهند و چون نام کتاب کشف اللثام عن قواعد الاحکام است، مؤلف او به کاشف اللثام نامبردار شد.

اثر نفیس او در حکمت، تلخیص کتاب شفا است که در ضمن حذف مکررات عبارات شفا و بیان مطالب با عباراتی روان که خاصیت قلم توانای اوست، مشکلات کتاب را نیز حل نموده است.<sup>۸</sup>

زندگی این عالم بزرگوار مقارن است با همان ایامی که حوزه فلسفی نوبنیاد اصفهان به شکوفایی رسیده و در جریان گسترش قرار گرفته است.<sup>۹</sup>

در روزگاری که فاضل هندی پرچم فقه و اجتهاد را در شهر اصفهان برمی افراشت، اوضاع زمانه به گونه ای بود که این شهر زیر سلطه نگرش اخباری گری قرار گرفته بود. از همه محدثان و اخباریانی که در آن روزگار شهر اصفهان را زیر سیطره و سلطه خویش داشتند، علامه مجلسی از نظرگاه و نگرش معتدل تری برخوردار بود. با این همه بیشتر آثار مرحوم مجلسی حتی آثار فقهی و کلامی او در قالب ترجمه ظاهری اخبار و احادیث تألیف شده است.

البته در همان زمان که علامه مجلسی و هم مسلکان او با این شیوه عمل می کردند، مجتهدان بزرگی در آن شهر زندگی می کردند که بر پایه استدلال های عقلی و بهره گیری از علم اصول فقه، به استنباط احکام می پرداختند. در آن زمان نماینده این نوع تفکر که همان روش استنباط و اجتهاد است، آقا جمال خوانساری و فاضل هندی بودند. فاضل هندی شاگرد علامه مجلسی بوده است و آنچنان که خود در کتاب وزین کشف اللثام نوشته است، قبل از بلوغ به مرتبه اجتهاد رسیده است.<sup>۱۰</sup>

همانگونه که قبلاً ذکر شد، مهم ترین اثر فقهی او که در واقع از مهم ترین آثار فقهی شیعی در دوره صفوی به شمار می آید، کتاب برجسته و ارزشمند کشف اللثام است. این کتاب مورد مراجعه و استفاده همه فقهای عالیمقام شیعه در سه قرن اخیر بوده است. تأثیری که این کتاب در نوع تفکر و سبک اندیشه فقهای

۸. آشتیانی، سید جلال الدین، منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ج ۳، ص ۵۴۳-۵۴۴.

۹. ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام، ج ۲، ص ۳۸۱.

۱۰. تنکابنی، میرزا محمد، قصص العلماء، ص ۳۱۲.

۱۱. فوائده الرضویه، ص ۴۷۸، به نقل از کتاب احوال و آثار بهاء الدین محمد اصفهانی مشهور به فاضل هندی تألیف رسول جعفریان انتشارات انصاریان قم، ۱۳۷۴، ص ۳۵.

۱۲. ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام، ص ۳۸۱.

۱۳. همان، ص ۳۸۱، ۳۸۲.

تتمیم آن موفق نگشته است. ۱۷

اینجانب مشغول تصحیح این کتاب می باشم و بر آنم تا به عون و قوه الهی در آینده نزدیک به طبع رسانم که اولاً تکریمی باشد از تلاش آن فاضل گرانقدر و ثانیاً حکمت پژوهان را دستمایه ای برای غوص در دریای بی کران حکمت الهی گردد.

### کیفیت تبویب و تلخیص کتاب

تبویب و تلخیص کتاب بدین گونه است:

۱. فاضل گرانمایه در آغاز فهرستی ابتکاری و میسوط از مقالات و فصول کتاب نگاشته است که در واقع فهرستی تفصیلی برای کتاب محسوب می شود.

۲. هر مقاله را طبق فصول آن، تلخیص و بیان مراد فرموده است.

۳. فاضل فرزانه در تلخیص کتاب کوشیده است که مطالب کتاب و نظرات بوعلی را در قالب عباراتی بسیار کوتاه بیان نماید؛ منتهی به گونه ای که اولاً مطلب اصلی کتاب را آورده باشد و ثانیاً این مطالب کوتاه به نحوی بیان شوند که مقصود بوعلی به روشنی از آن عبارات کوتاه فهمیده شود.

۴. فاضل اندیشمند، علاوه بر تلخیص عبارات کتاب سعی نموده در مواردی بعضی از توضیحات کوتاه را بر مطالب بوعلی بیفزاید تا در سایه اجمال عبارات، مفهوم آنها مبهم نماند، و خواننده آنچه را که باید، از بحث دریابد.

۵. نگارنده کتاب، علاوه بر مجمل بیان کردن عبارات و مطالب، در بعضی موارد تعاریفی را که در بخش های دیگر کتاب شفا آمده است، در این قسمت حذف می کند تا به غرض او نزدیک تر باشد؛ مگر در مواردی که برای تبیین بحث و بیان غرض نگارنده شفا، لازم باشد که آن تعاریف را در قالب عباراتی کوتاه ذکر کرده است.

○

«بسیط بودن نفس ناطقه»، نظرات خاص خود را ابزار داشته است که برخی از نظرات این فاضل اندیشمند قابل بررسی و تأمل است. ۱۴

برخی از آثار فاضل هندی بدین قرار است:

۱. كشف اللثام عن قواعد الاحكام. (فقهی)
  ۲. المناهج السويه في شرح الروضة البهية. (فقهی)
  ۳. اجالة النظر في القضاء والقدر. (اعتقادی)
  ۴. تفسير الفاضل الهندي. (تفسیر)
  ۵. الزبده في اصول الدين. (اعتقادی)
  ۶. الحور البريعة في اصول الشريعة. (اصولی)
  ۷. خلاصة المنطق. (منطقی)
  ۸. الحاشية على المواقف. (کلامی)
  ۹. عون اخوان الصفا على فهم كتاب الشفا يا عون اخوان الصفا في تلخيص الشفا. (فلسفی)
  ۱۰. اثبات الواجب في اثبات الواجب. (فلسفی)
  ۱۱. بينش غرض آفرینش. (اصول دین)
  ۱۲. كاشف اسرار اليقين في اصوع الشرع المبين في شرح معام الدين. (اصولی)
  ۱۳. الرسالة التهليلية. (توضیح جمله لا اله الا الله)
  ۱۴. چهار آئینه. (کلامی)
  ۱۵. زبده العربية. (تلخیص و ترجمه مطول تفتازانی)
- گفته شد، از جمله آثار فلسفی فاضل هندی کتاب تلخیص الشفا است. این کتاب تحت عنوان «عون اخوان الصفا في تلخيص الشفاء» به رشته تحریر درآمده است. فاضل هندی یک بار همین کتاب را در شانزده سالگی تلخیص کرد که از بد روزگار طعمه حریق شد. بار دیگر در بیست و دو یا بیست و شش سالگی تلخیص شفا را نوشت که در سال ۱۰۸۴ این کار پایان یافت. ۱۵ نسخه ای از این کتاب که در سال ۱۰۸۴ با نسخه مؤلف و توسط خود مؤلف مقابله شده در کتابخانه مجلس موجود است. حواشی مؤلف با عنوان محمد بن الحسن اصفهانی در چند جای کتاب به چشم می خورد. قسمت الهیات این کتاب، به صورت مستقل تحت عنوان «اخوان الصفا في تلخيص الهيات الشفاء» در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی موجود است.
- فاضل خوانساری و تنکابنی<sup>۱۶</sup> تلخیص شفا را در شماره مؤلفات فاضل هندی ثبت کرده اند و نیز یاد کرده اند که به انجام و

۱۴. ر.ک: همان، ج ۲، ص ۳۸۳ تا ۳۸۷.

۱۵. احوال و آثار بهاء الدین محمد اصفهانی، مشهور به فاضل هندی، ص ۵۶-۵۷.

۱۶. قصص العلماء، ص ۳۱۳.

۱۷. احوال و آثار بهاء الدین محمد اصفهانی، مشهور به فاضل هندی، ص ۳۱۳.